

جشن پیرشالیار در آینه فرهنگ مردم هورامان

عادل محمدپور^۱

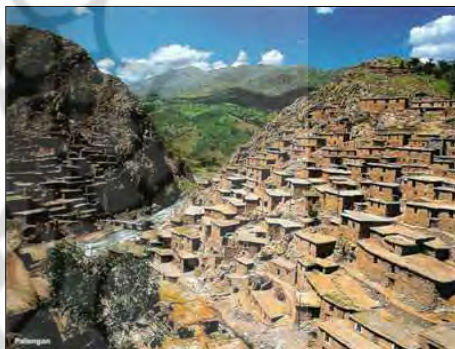
سرزمین نیاکان ما ایرانیان با تمام تنوع‌ها و تفاوت‌ها در ساختار فرهنگی، دارای مؤلفه‌ها و مشترکاتی نیز هست، این نشان از یک روح و یک تاریخ همگرا دارد که در گذشته‌های دور حول یک محور و یک خانواده، به نام فرهنگ و تمدن آریایی شناخته می‌شده‌اند. کردها به حق خود را یکی از وارثین این فرهنگ و تمدن می‌دانند و می‌خواهند در کنار این کیان عظیم، سهم خود را به مام وطن عرضه بدارند و مسرورانه بر خود ببالند. مریوان و هورامان (اورامان) در کردستان طبق مدارک و شواهد زبان‌شناختی و تاریخی که وجود دارد به نسبت سایر مناطق دیگر این استان وضعیت منحصر به فردتری دارد، هر نقطه آن در حوزه جغرافیای تاریخی، هر واژه و متنی در زمینه زبان‌شناختی، هر آواز و موسیقی در اسلوب فولکلوریک، هر جشن و مرثیه‌ای در متن آحاد جامعه حکایت از پیشینه‌ای دراز مدت و اصالتی تاریخی در بطن فرهنگ مردم دارد؛ متأسفانه تاکنون به شیوه علمی و آکادمیک به چنین مقوله ارزشمندی جهت شناخت واقعی فرهنگ‌های همگرا و در عین حال متفاوت پرداخته نشده است. برای بحث و بررسی در مورد هورامان - مثل هر جا و مکان دیگر- باید به

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و فرهنگیار واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صدا و سیما

پیش‌زمینه‌های تاریخی آن توجه کرد. آشوری‌ها تنها دشمن سرسخت اقوام ایرانی، مادها، پارت‌ها و پارس‌ها به شمار می‌آمدند. قبل از متحد شدن اقوام مادی، این آشوری‌ها بودند که به طمع مواد خام و معادن و تخته و چوب، به قلمرو مادها و لولویی‌ها در کردستان و زاگرس، حمله کردند و علاوه بر به تاراج بردن سامان مالی و مادی و کشتن دسته جمعی و کوچاندن آنان به ستردن نام جاها و امکنه و نهادهای فرهنگی منطقه پرداختند. وجود برخی نام‌ها و اسم‌های آشوری در منطقه مثل اورمان «urmân»، تته «tate»، ئارارا «ârârâ»، بل «bol»، هجیج «hajij»، زامواو «zâmvâv»، ژوونی «žuni» و داریان «dâriyân»، هسون «hasun» و سلین «selin» و... حکایت از این غارت فرهنگی می‌کند.

براساس گفته‌های شفاهی و نوشته‌هایی که اخیراً در لابه‌لای کتاب‌ها نگاشته شده

(عبدالرزاق محمد، ۲۰۰۵: ۵۹) در اورمان ۹۹ پیر (پاور «pâvar» پاتر، پادر) وجود داشته است. البته نمی‌توان روی شماره دقیق آنها تأکید کرد که حتماً ۹۹ نفر بوده‌اند؛ شاید این عدد به شیوه سمبولیک نشان‌دهنده کثرت انسان‌های فرهیخته و دانا بوده است که



در هورامان مبدأ و مأمّن داشته‌اند. پیران هورامان علاوه بر نقش ترویج اخلاقی و پدر معنوی برای مردم در کار طبابت سنتی، گیاه‌شناسی، ستاره‌شناسی و سایر امور دست داشتند، در مسایل اجتماعی مردم دخالت می‌کردند، هه‌نجومه‌ن «henjomen» (انجمن) به نام ژیرلا «žirlâ» (دانا‌یان) داشتند که مستقیماً توسط مردم و به شیوه نوین انتخاب می‌شدند. جای ژیرلا مکانی بود به نام مری «mari» و شورا رئیسی داشت به نام پاور یا پیر که تمام مسایل شورا زیر نظر او صورت می‌گرفت. پیر (پاور) با آیین مهری قرابت خاصی داشت که این آیین بعدها از طریق آسیای صغیر وارد اروپا شد و پاتروس و پاتر (فادر: پدر یونانی) از آن منبعت شده است. (ورمازن، ۱۳۷۲: ۳۱)

ابزار و تمهیدات و امکانات انتخابات ژیرلا اگرچه ابتدایی بود ولی در مفهوم

امروزی آن حکایت از شیوه‌ای آزاد و مردم‌سالار داشت. پیر، زمان انتخابات را با شرایط احراز شایستگی اعلام می‌کرد و هر کس خود را شایسته کاندیداتوری می‌دید، ثبت‌نام می‌نمود و در روز موعود در جلو شورا (مَری) حضور می‌یافت. جهت برگزاری انتخابات آزاد به شیوه قراردادی هر یک از کاندیداها با میوه‌ای مشخص می‌شدند و با آن نام، در رقابت‌ها شرکت می‌کردند. میوه‌ها معمولاً گردو، توت، بلوط، بادام و انجیر خشک بود.

مردم و کاندیداها در روز موعود (اول بهار، نوروز) با فراخوان قبلی می‌آمدند؛ هر کس میوه مورد نظر خود را می‌آورد، رأی‌گیری شروع می‌شد و مردم با توجه به شناخت خود از کاندیداها میوه‌های مورد نظر را داخل کیسه‌ای به نام هلاو («helâwe») می‌گذاشتند، در نهایت پس از شمارش آرا اعضای شورا برای چهار سال انتخاب می‌شدند، در اینجاست که نام هورامان با مدنیت پیوند می‌خورد و می‌گوییم هورامان از قدیم مهد تمدن و شهرنشینی بوده است.

پیر شالیار (شهریار) هورامان

پیرشالیار (پیرشهریار) یکی از ۹۹ پیر هورامان به شمار می‌رود که در میان مردم کرد بویژه مردم هورامان از جایگاه و وجهه اسطوره‌ای و آیینی ویژه‌ای برخوردار است، به گفته بعضی از مورخان پیرشالیار از مغان زردشت بوده و کتابش را به کسی نشان نمی‌داده و سخنانش در نزد مردم ضرب‌المثل بوده است. معمولاً مردم از دو پیر شالیار (پیر شهریار) نام می‌برند که هر کدام به نوبه خود



از احترام خاصی برخوردار هستند.

شخصیت اول، پیرشالیاره سیاوه «piršalyâre siyâve» پسر جاماسب بود که قبل از اسلام (۱۵۰ق.م) یا گویا همزمان با اسلام و حمله به ایران و کردستان و سرانجام

هورامان، در هورامان تخت می‌زیست و پایبند آیین زردشتی بود و کتابی به نام ماریفتو پیرشالیاری «mârifatu piršâlyâri» (معرفت پیر شهریار) داشت اما بعداً آیین اسلام را پذیرفت و در همان روستا فوت کرد و به خاک سپرده شد.

پیرشالیار دوم، سید مصطفی ابن خداداد، مردی فاضل و عارف از سادات حسینی، مشهور به پیرشالیار بود. این شخصیت در منطقه هورامان در زمان شیخ عبدالقادر گیلانی (۴۷۱-۵۶۱ ه.ق) می‌زیست و از منسوبان او بود. (کریمیان، ۱۳۸۶: ۷۵۷) او با افکار پیرشالیاره سیاوه آشنا بود و کتاب معرفت او را بازنگری کرد و بر اساس احکام اسلامی تغییراتی در آن به وجود آورد. مردم هورامان احترام خاصی برای این پیر قایل هستند و معتقدند این پیر با چند پشت به امام جعفر صادق (ع) می‌رسد. (روحانی، ۱۳۷۲: ۴۶) آرامگاه او در روستای هورامان به یانو پیری «yânav piri» یعنی خانه پیر مشهور است و هر ساله تقریباً در نیمه دوم بهمن ماه در آن مراسمی تحت عنوان زمانو پیری «zamânavo piri» (جشن پیر) برگزار می‌گردد و یاد و خاطره او زنده و جاودان نگه داشته می‌شود.

زمانو پیری یکی از آیین‌های کهنی است که هنوز رگه‌های باستانی در آن دیده می‌شود. این جشن در همین ایام با جشن سده ایرانیان چه از نظر فرم و چه از نظر بن‌مایه و محتوا ارتباط و قرابت خاصی دارد. هر دو جشن نوعی بزرگداشت و یادکرد فرهنگ آریایی است و هیمنه و شکوه بیشتری در میان مردم کردستان بویژه مردم هورامان دارد.

بهمن ماه برای ایرانیان بویژه برای کردان چه در تاریخ معاصر و چه در دوران گذشته و اسطوره‌ها، ماهی مینوی و مقدس بود. یکی از جنبه‌های تقدس و مینوی نگه داشتن این ماه، تلاقی جشن سده ایرانیان و جشن پیرشالیار است. به نظر نگارنده بن‌مایه و خاستگاه هر دو جشن یکی است با این تفاوت که این جشن در بسیاری از نقاط ایران منسوخ شده اما در این گوشه (اورامان) هنوز در میان مردم زنده است و با مردم زندگی می‌کند. این مراسم از دهم بهمن ماه شروع و دو هفته بعد به پایان می‌رسد. ترتیب برنامه‌ها بدین منوال است:

۱- خبر «xabar»

به علت سستی بودن مراسم و نبودن امکانات اطلاع‌رسانی به‌سان امروز، مردم به صورت‌های مختلف از شروع مراسم پیر اطلاع پیدا می‌کردند و در تدارک و تمهید اجرای صحیح آن می‌کوشیدند، فلسفه «خبر» تنها جنبه اطلاع‌رسانی داشت.

۲- کوته کوته «kote kote»

پس از اطلاع‌رسانی و رساندن پیام اجرای مراسم به مدت یک هفته تا عصر روز چهارشنبه هفته بعد، هیچ کاری صورت نمی‌گیرد، از غروب روز چهارشنبه هفته بعد با تاریکی هوا، بچه‌های روستا شروع به گشتن در کوچه و پس کوچه‌های روستا می‌کنند و در هر خانه را می‌زنند و با گفتن جمله «کوته کوته» صاحب‌خانه را از آمدن خود و بیان خواسته‌شان با خبر می‌سازند. صاحب‌خانه با دادن چیزی از قبیل تنقلات سستی روستا آنها را بدرقه می‌کند. گاهی هم با بی‌میلی صاحب‌خانه روبرو می‌شوند، چون اکثر مردم چنین مراسمی را اضافی می‌دانند و انگیزه خاصی برای اجرای آن ندارند.

۳- کیلاو روچینی «kilâve ročini»

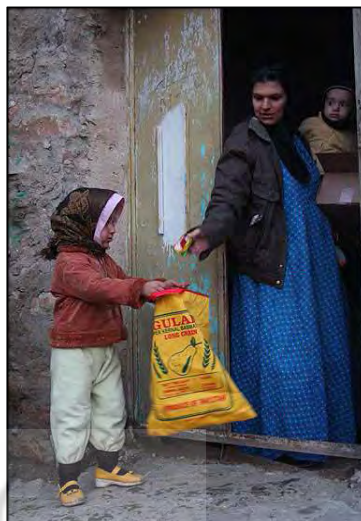
این آداب از نظر فرم شبیه کوته کوته است ولی در مقایسه با کوته کوته از ارج و ارزش خاصی در میان مردم برخوردار است. اکثریت جوانان و نوجوانان منطقه در روستای سرپیر جمع می‌شوند و سپس در کوچه و پس‌کوچه‌ها با دسته‌های دو و سه نفری در پشت درها قرار می‌گیرند و با گفتن جمله:

کیلاو روچینی به کورو کناچه شادی بیدی

kilâve ročini be kuru kenâče šadi bidi

یعنی صاحب‌خانه، به پسر و دختری شاد باشید

گفتن این جمله به طور سمبلیک تبریک و تهنیت ولادت پیرشالیار است و آرزوی تسری مبارکی و زایش برای صاحب‌خانه به یمن تبرک همین روز و استقبال از زایش و بالندگی آن است. مردم هم گفتن چنین جمله‌ای را به فال نیک می‌گیرند و به پاس آن و استقبال از برکت ولادت پیر، هدیه‌ای به بچه‌ها می‌دهند که غالباً گردو و تنقلات خشک شده سنتی است و گاهی هم با شیرینی و بیسکویت از آنها استقبال می‌شود.



۴- ذبح حیوانات

آیین ذبح از صبح روز چهارشنبه آغاز می‌شود، پس از اتمام مراسم کیلاو روچینی، هر کسی که از استطاعت مالی برخوردار باشد یا دارای حیوان باشد، یک رأس گوسفند (کاور) در آستانه پیرشالیار ذبح می‌کند. به عنوان تبرک، مقداری از گوشت را بر می‌دارند و به رسم معمول هدیه‌ای هم به متولی می‌دهند، عده‌ای هم از گوشت باقیمانده غذا می‌پزند.

۵- آیین سماع و صرف غذا

همزمان با اجرای مراسم سماع آتش نذری ولوته‌شی «voloteši» (نوعی غذای سنتی که از گندم است درست می‌شود) صرف می‌شود. مراسم تا غروب چهارشنبه ادامه پیدا می‌کند و صبح روز بعد، مراسم سماع و صرف غذا و تقسیم آن میان مردم تا هنگام نماز مغرب تکرار می‌شود.

۶- تجمع در وراسان «varâsân» (آستانه پیر)

پس از پایان مراسم سماع و صرف غذا در خانه پیر شالیار، نمد و فرش دستباف نقش هورامان پهن می‌گردد و مردم جمع می‌شوند. نمازگزاران پس از به جا آوردن نماز مغرب به طرف آستانه به راه می‌افتند و هر کس سعی می‌کند جایی برای خود پیدا کند

تا از آن فضای معنوی بهره وافی ببرد. طبق برنامه مراسم سخنرانی و مقاله‌خوانی و شعرسرایی و موعظه آغاز می‌شود و مردم سراپا به آن گوش می‌دهند. در پایان این مراسم از کلاش پیری «kelâšo piri» (گیوه پیری) و برخی از وسایل باقیمانده از او دیدن می‌کنند و وسایل دست به دست میان مردم می‌گردد.

۷. تربی «terbi»

یک هفته بعد، روز پنج‌شنبه آینده، مردم هورامان دسته جمعی به طرف بارگاه پیران (بویژه پیرشالیاره سیاو) راه می‌افتند و با انجام دعا و نیایش عهد و پیمان و میثاق خود را تجدید می‌کنند و یاد و خاطره آنان را زنده و جاوید نگه می‌دارند. زنان در آن روز تربی، گیته مزگی «gite mažgi» (نوعی نان که وسط آن پر از گردو کوبیده است) درست می‌کنند و میان همسایه‌ها تقسیم می‌کنند.

منابع

۱. روحانی، بابا مردوخ (۱۳۷۲) تاریخ مشاهیر کرد، ج ۱، تهران: سروش.
۲. عبدالرحمن محمد، عبدالرزاق (۲۰۰۵) سر بردکی هورامان و سردانکی تهویلی، تهران: نشر احسان.
۳. کریمیان، نادر (۱۳۸۶) تاریخ هورامان، تهران: نشر احسان.
۴. ورمازرن، مارتین (۱۳۷۲) آیین میترا، ترجمه بزرگ ناظرزاده، تهران: نشر چشمه.

